

خبرها

موافقتنامه صادرات آب به روز می‌شود

فارس : وزیر نیرو گفت : موافقتنامه قبلی صادرات آب ایران به کویت که در سال ۸۳ به امضای دو کشور رسیده بود به روز می‌شود. سیدپرویز فتح‌افزود : در پی سفر یک‌روزه رئیس‌جمهوری کشورمان به کویت بحث صادرات آب ایران به این کشور مجدداً مطرح و از وزیر کویت دعوت شد تا پس از سفر خود به تهران جزئیات قرارداد قبلی را که به نتیجه نرسیده بود، به همراه مسئولان ایرانی بررسی و رفع کنند. وی ادامه داد : مطمئناً با به روز شدن موافقتنامه قبلی احداث خط لوله انتقال آب به کویت هرچه زودتر عملیاتی می‌شود. وی با اشاره به اینکه طرف کویتی برای عملیاتی شدن موافقتنامه صادرات آب ایران به کویت بیشتر از قبل اظهار تمایل دارد اظهار داشت : تشکیلات جدید کویت برای خرید آب از ایران مصمم‌تر و جدی‌تر هستند. فتح‌خاطر نشان کرد : اختلاف نظرهایی که در گذشته برای صادرات آب از کشور وجود داشته است نیز خوشبختانه از بین رفته و کشور در این رابطه به اجماعی دست یافته است. به نوشته خیزنگار ما، در متن موافقتنامه اولیه انتقال آب ایران به کویت که به تصویب هیأت وزیران وقت رسیده بود آمده بود که دولت ایران و دولت کویت انتقال روزانه ۹۰ هزار متر مکعب آب شیرین از طریق احداث خط لوله از ایران به کشور کویت با در نظر گرفتن شرایط طبیعی و مراعات کاهش آب در دوره‌های خشکسالی و شرایط قه‌ری را مورد موافقت قرار داده و دولت کویت خرید آب و بازپرداخت بهای آن را تضمین کند. همچنین آب دریافتی از ایران تنها در خاک کویت مصرف شود.

تدوین بودجه سایه صورت نگرفته است

فارس : رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گفت : هنوز دولت اقدامی برای تدوین بودجه سایه انجام نداده است. فرهاد رهبر در پاسخ به این سئوال که با توجه به گزارش پرونده ایران به شورای امنیت آیا دولت درصدد تدوین بودجه سایه نیست، اظهار داشت : دولت هنوز اقدامی در این رابطه انجام نداده است. وی در عین حال به ساز و کار تدوین بودجه سایه اشاره کرد و افزود : تدوین بودجه سایه نیاز به مصوبه مجلس و بررسی آن در مجلس ندارد و دولت خود ساز و کارهای لازم را در بودجه پیش‌بینی خواهد کرد. به گزارش فارس، بودجه سایه یک بودجه تعینانی است که برای شرایط بحرانی اقتصادی تدوین می‌شود و با توجه به تحریم‌های احتمالی اقتصادی که شورای امنیت ممکن است علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کند، برخی تدوین این بودجه را ضروری می‌دانند. در عین حال بودجه‌ای که دولت برای سال ۸۵ به مجلس ارائه کرد فاقد پیش‌بینی‌های لازم برای زمان تحریم‌ها بود و این روند انتقاداتی را از سوی برخی کارشناسان و نمایندگان مجلس برانگیخت.

کاهش نرخ سود بانک‌های خصوصی موجب فساد می‌شود

ایسنا : «کاهش نرخ سود تسهیلات در بانک‌های خصوصی باعث سوق یافتن موجودی مردم به سمت بازارهای غیرمتشکل پولی و در نهایت فساد مالی را سبب می‌شود.»
فرید ضیاءالملکی مشاور مدیرعامل بانک سامان درباره کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی در بانک‌های خصوصی گفت : «این مصوبه شورای پول و اعتبار هنوز به بانک‌های خصوصی ابلاغ نشده است اما با اجرای این مصوبه بانک‌های خصوصی باید خود را با کاهش نرخ سود تسهیلات تطبیق دهند یعنی با کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی بتوانند با مصوبه شورای پول و اعتبار منطبق شوند.»
به گفته او با کاهش نرخ سود تسهیلات در بانک‌های خصوصی هنوز فاصله‌ای میان این نرخ سود بانک‌های خصوصی و دولتی وجود خواهد داشت. در حال حاضر بر اساس قانون بانکداری بدون ربا حداقل سود مورد انتظار از سوی شورای پول و اعتبار اعلام خواهد شد. وی در پاسخ به این سؤال که آیا با کاهش سود سپرده‌ها بانک‌های خصوصی به سمت مسابقه حساب‌های قرض الحسنه پیش می‌روند یا خیر، توضیح داد : «بعید به نظر می‌رسد که بانک‌های خصوصی به سمت مسابقه حساب‌های قرض الحسنه پیش روند، حساب‌های قرض الحسنه‌ای که بانک‌های دولتی جذب می‌کنند با کارمزدهای بسیار اندکی است در حالی که این کارمزد برای بانک‌های خصوصی بیشتر است. بانک‌های خصوصی نیز دارای حساب‌های قرض الحسنه هستند اما به جای اعطای جواز به تعدادی اندک از دارندگان حساب، این موجودی‌ها را بیمه می‌کنند.»
ضیاءالملکی با بیان اینکه شورای پول و اعتبار طی هفته جاری مصوبه کاهش نرخ سود تسهیلات را ۱۷ درصد را به بانک‌های خصوصی ابلاغ می‌کند، افزود : «سپرده‌گذاران سود کمتری با اجرای این مصوبه از بانک‌های خصوصی دریافت می‌کنند.»
به گفته او با این کاهش نرخ سود تسهیلات، روند رشد سپرده‌ها کاهش می‌یابد اما تغییری در حجم این سپرده‌ها رخ نخواهد داد.

ناکارآمدی واحدهای خدمات

ایسنا : «برای رشد صادرات باید به دنبال راهکارهایی برای تقویت نهادهای سرویس دهنده صادرات بود چراکه ناکارآمدی واحدهای خدمات صادراتی از موانع مهم مسیر صادرات است.»
مهدی غضنفری معاون بازرگانی خارجی وزیر بازرگانی افزود : «در هشت سال گذشته تلاش بسیاری از سوی مسئولان برای حذف موانع مقرراتی از مسیر صادرات و اعمال مشوق‌های صادراتی انجام گرفته که تا حدی نیز کارساز بوده اما همچنان آمار صادرات نسبت به تجارت جهانی آن یک به هزار است لذا بیانگر این واقعیت است که اگر حرکت در مسیر مقررات زدایی را به تنهایی ادامه دهیم اثربخشی کمتری در رشد صادرات خواهد داشت.»
به اعتقاد وی بی‌توجهی به تولید صادراتی نیز از عوامل مهمی محسوب می‌شود که تأثیر منفی در رشد صادرات به دنبال دارد.

حرکت مبادلات تجاری در عرصه بین‌المللی با گسترش شبکه‌های ارتباطی و تحول در نظام مالی کشورها موجب شد حجم و سرعت مبادلات مالی در عرصه جهانی را رشد صعودی در دهه اخیر همراه گردد. نظام‌های مالی کشورها از دو بازار مکمل هم به نام‌های بازار سرمایه و بازار پولی تشکیل می‌شود.

بازار سرمایه که مهمترین اجزای آن را بازار بورس اوراق بهادار تشکیل می‌دهد، برای تأمین منابع مالی بلندمدت بنگاه‌های اقتصادی استفاده می‌گردد و از بازار پول که مهمترین اجزای آن را بانک‌های تجاری تشکیل می‌دهند عموماً برای تأمین منابع مالی کوتاه‌مدت استفاده می‌شود. سازمان بورس اوراق بهادار تهران به‌رغم قدمت ۴۰ساله در کشور، در مقام مقایسه با اولین بورس رسمی جهان (بورس لندن-۱۸۰۱م) نوپا است، ضمن اینکه یک دهه از فعالیت عملیاتی آن به دلیل شرایط انقلابی حاکم در جامعه، جنگ تحمیلی و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران خود مزید بر علت شد تا بخشی از تجربه ناشی از فعالیت‌های عملیاتی آن در رکود نسبی و متوقف بماند.

در چند دهه اخیر بسیاری از کشورها با نظام‌های سیاسی، اقتصادی متفاوت بر نقش بورس جهت کمک به روند رشد و توسعه اقتصادی تأکید کردند و بر تقویت و رونق آن ابزارهای لازم را به کار بستند. زیرا بورس علاوه بر تجهیز منابع پس اندازی سرگردان در جامعه و هدایت آن برای تأمین نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی و خلق ارزش افزوده در جامعه، ابزاری جهت سنجش عملکرد عمومی نظام اقتصادی محسوب می‌شود. تحولات مسائل سیاسی، اقتصادی در کشورها موجب می‌گردد، سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه، به طور دائم اثر تصمیمات ناشی از تحولات مزبور را مورد ارزیابی قرار داده و آثار آن را بر منافع اقتصادی تحلیل می‌نمایند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند.

شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران روند نزولی خود را همچنان ادامه می‌دهد. روند کاهش شاخص کل عملاً از شهریورماه ۸۳ آغاز و در سال ۸۴ تشدید شد. شاخص کل در شهریور ۸۳، از ۱۳۵۹۸ واحد به ۱۲۱۱۳ واحد در پایان همان سال یعنی به میزان ۱۴۵۸۱ واحد تنزل یافت، که معادل ۹/۱۰درصد کاهش را نشان می‌دهد. جدول ذیل روند تغییرات شاخص کل بورس را طی دوره منتهی به ۸۴/۱۲/۲۱ نشان می‌دهد:

تاریخ	شاخص کل	تغییرات ماهانه	تغییرات تجمعی شاخص کل
ابتدای دوره	۱۲/۱۱۳	-	-
۸۴/۱/۶	۱۲/۱۳۰	+۷	+۱۷
۸۴/۱/۳۱	۱۲/۷۰۲	+۵۷۲	+۵۸۹
۸۴/۲/۳۱	۱۲/۶۰۵	-۹۷	+۴۹۲
۸۴/۳/۳۱	۱۲/۴۲۴	-۱۸۱	+۳۱۱
۸۴/۴/۲۹	۱۱/۲۳۳	-۶۹۲	-۳۸۱
۸۴/۵/۳۱	۱۰/۷۵۴	-۹۷۸	-۱۳۵۹
۸۴/۶/۳۰	۱۰/۴۱۲	-۳۴۲	-۱۷۰۱
۸۴/۷/۳۰	۱۰/۳۲۳	-۳۸۰	-۲۰۸۱
۸۴/۸/۳۰	۹/۸۷۹	-۴۴۳	-۲۲۴۴
۸۴/۹/۳۰	۱۰/۳۰۴	+۵۱۵	-۱۸۰۹
۸۴/۱۰/۲۸	۱۰/۱۰۰۸	-۱۹۶	-۲۰۰۵
۸۴/۱۱/۲۸	۹/۸۶۸	-۲۴۴	-۲۲۴۴
۸۴/۱۲/۲۱	۹/۸۲۶	-۴۲	-۲۲۴۸

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، شاخص کل از ابتدای سال ۸۴ تا پایان روز ۸۴/۱۲/۲۱ به میزان ۲۲۴۸ واحد کاهش یافت، یعنی معادل ۱۹درصد از ارزش کل بازار سهام کاهش یافت و از منظر دیگر بازده حاصل از سرمایه‌گذاری برای سهامداران در سال ۸۴ منفی بود.

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، شاخص کل از ابتدای سال ۸۴ تا پایان روز ۸۴/۱۲/۲۱ به میزان ۲۲۴۸ واحد کاهش یافت، یعنی معادل ۱۹درصد از ارزش کل بازار سهام کاهش یافت و از منظر دیگر بازده حاصل از سرمایه‌گذاری برای سهامداران در سال ۸۴ منفی بود.

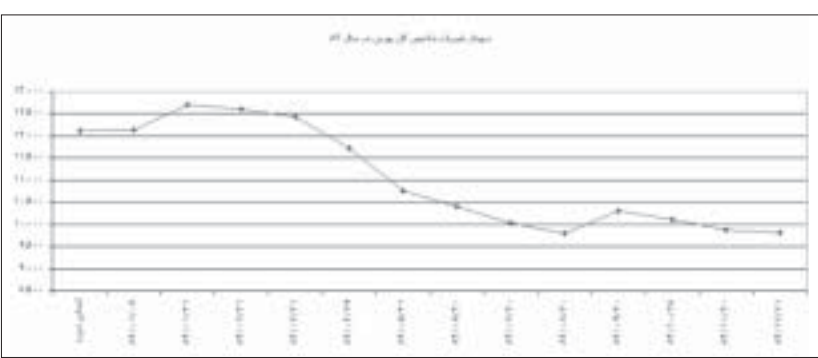
پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در فاصله‌ای کوتاه شورای انقلاب اسلامی حکم مصادره ۵۲ بورژوای نامدار شکل گرفته در رژیم گذشته را داد. تصور می‌شد که این افراد به لحاظ سیاسی با رژیم شاه و سران آن ائتلاف داشته و از طریق نزدیکی با آنها توانسته‌اند به ثروت‌های کلان دست یابند. بورژوازی صنعتی آیا در رژیم گذشته «سیاست‌ورزی» می‌کرده است؟

نوشته حاضر بخشی از پژوهش علی اصغر سیدی و فریدون شیرین‌کام در همین زمینه است که در کتاب «موقعیت تجار و صاحبان صنایع در دوره پهلوی، خاندان لاجوردی» آمده است. همانطور که در این نوشته می‌خوانید نویسندگان پس از تحلیل کلی سیاست‌ورزی بورژوازی در رژیم گذشته برافزاد یکی از خاندان لاجوردی را به طور کانونی مورد توجه قرار داده‌اند. سرمایه‌دار ایرانی به لحاظ اجتماعی شباهتی به بورژوازی غربی ندارد. این سخن به این معنی است که شرایط زندگی را در جامعه فتوالی پشت سر نگذارده است و مانند همتاهای غربی شان از قرارداده‌ا و الزامات اجتماعی دنیای فئوالیسم آزاد و رها نبوده.
تجار ایرانی به مثابه قدیمی‌ترین گروه شهری به شمار می‌آیند که بخشی از نظام اجتماعی بودند. در نیمه‌های قرن ۱۹ آنها در تجاری کردن بخش کشاورزی مشارکت داشتند و بازارهای شهری و روستایی را به هم مرتبط ساختند. به علاوه هم زمین‌داران و هم تجار بازرگانی عمدتاً در شهرها زندگی می‌کردند و تحت تسلط دولت‌های خودسر و شرایط متغیر و بی‌ثبات زندگی قرار داشتند. همچنین تجربه غرب تا حدی که به توسعه سرمایه‌داری مربوط می‌شود داللت بر این مسئله دارد که گسترش کنترل بورژوازی بر منابع مادی جامعه پیش‌فرض توسعه بازارها بوده است که از طریق هژمونی بورژوازی بر حوزه و پهنه سیاسی، اجتماعی تقویت می‌شد. این فرایند احتمالاً به شکل برنامه‌ریزی‌شده‌ای به پیش می‌برد. منظور از ارائه چنین مقدمه کلی و کوتاه

اقتصاد

بورس و امنیت روانی سهامداران

مصطفی والهی



بازار سرمایه مانند هر نهاد دیگر تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل محیطی اعم از متغیرهای داخلی و خارجی، که غالباً خارج از کنترل و اراده گردانندگان و ذی نفعان است، قرار دارد. به طور کلی متغیرهای تأثیرگذار در شاخص کل بورس را می‌توان به دو دسته از رفتارها طبقه‌بندی کرد:

الف- رفتارهای عوامل بیرونی

ب- رفتارهای عوامل داخلی

رفتارهای عوامل بیرونی

رفتارهای عوامل بیرونی ناشی از وقایع و تصمیمات اتخاذ‌شده‌ای است که در خارج از کنترل مدیریت سازمان بورس اوراق بهادار است و بر حرکت شاخص کل تأثیرگذار هستند. نمونه‌ای از این رفتارها و عوامل عملکرد عمومی نظام اقتصادی محسوب می‌شود:

- تأثیر نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

- تأثیر رفتار تصمیمات اقتصادی در قالب لایحه یا طرح از طریق قوای مقننه یا مجریه

- بازتاب مسئله انرژی هسته‌ای

- بلامتلفی تثبیت مدیران ارشد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار (با توجه به حجم و سهم بالای شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی در بورس)

رفتارهای حوزه سیاسی بر بازار سرمایه بسیار تأثیرگذار هستند. عموماً اثر رخدادهای سیاسی غیرقابل پیش‌بینی بر بازار سرمایه در بسیاری از کشورها تأثیرگذار هستند. براساس مطالعات انجام شده در فاصله زمانی ۱۹۵۷ تا ۲۰۰۳، توسط بول و گشکالک بر روی پژوهشی که در بازارهای مالی و حوادث سیاسی در

آمریکا و ۱۴ کشور دیگر (آلمان، اتریش، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و ...) انجام دادند، گویای دو رابطه مشخص میان دو حوزه سیاسی و مالی است. خصوصاً تغییرات غیرقابل پیش‌بینی تأثیر زیادی بر بازارهای مالی دارد، زیرا چشم‌انداز آتی از ابهام برخوردار است و این مهم موجب افزایش نوسانات و شکندنگی مالی شده و سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند دارای‌های خود را به سوی سرمایه‌گذاری‌هایی که دارای ریسک کم‌ترند و دوره بازگشت سرمایه آن کوتاه‌تر و از قابلیت نقدشوندگی بالایی برخوردار هستند سرمایه‌گذاری نمایند. در یک سال اخیر سرمایه‌گذارانی که در بازار سهام حضور فعال و جدی داشتند، ترجیح دادند جایگزین مناسبی برای سرمایه‌گذاری در بورس

جست‌وجو کنند. این مهم موجب شد فزونی عرضه سهام بر تقاضا افزایش یابد و به‌رغم تمهیدات و سیاست‌های اتخاذ‌شده ارزش کل بازار سهام کاهش یافت و از منظر دیگر بازده حاصل از سرمایه‌گذاری برای سهامداران در سال ۸۴ منفی بود.



توسعه نظام‌های سرمایه‌داری به شمار می‌آید. اما در مورد سرمایه‌داران ایرانی به ویژه بعد از دوره ۱۳۴۰ انگیزه‌های سیاسی چندانی یافت نمی‌شود اگرچه رشد نیروهای بازار در گرو کنترل قدرت سیاسی است. همان طور که در دوره مورد سیاستگذاری اقتصادی گفته شد، در نبود انگیزه‌های دسترسی سرمایه‌داران به اهرم‌های سیاسی این دولت بود که باید سیاست‌های توسعه بخش خصوصی را به پیش می‌برد. منظور از ارائه چنین مقدمه کلی و کوتاه

و دولت به سمت بازار سرمایه همراه بود و همین امر موجب شد حجم معاملات بورس تا پایان سال ۸۳ به رقم بی‌سابقه ۲/۳۴۲۰۱۰۴ میلیارد ریال (در پایان سال۷۹ حجم معاملات ۹۱۷۶ میلیارد ریال) برسد. در این دوره دولت یک رشته قوانین و مقررات در راستای گسترش بازار بورس اوراق بهادار کشور وضع کرد که در افزایش حجم معاملات اثرگذار بودند، از جمله ایجاد شبکه رایانه‌ای بازار سرمایه، فروش سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و ... است. افزایش تقاضا برای خرید سهام و عدم تناسب عرضه سهام موجب شد بورس از رشد حبابی برخوردار شود و کاهش نقدینگی در انتهای سال برنامه توسعه در بازار سرمایه خود را نمایان کند.

همچنین مسائل و متغیرهای بیرون از بورس موجب شد سرمایه‌گذاران نسبت به بازده مورد انتظار و نرخ ریسک در بازار سرمایه با حساسیت برخورد نمایند. لذا نه تنها نقدینگی جدیدی تزریق نشد بلکه بخشی از نقدینگی بازار سرمایه خارج شد.

بازده مورد انتظار، نرخ ریسک و مدت انتظار در سرمایه‌گذاری از عوامل موثر در بازار سرمایه است، در حال حاضر افت شدید قیمت‌های سهام در بازار سرمایه برای بسیاری از سهام شرکت‌هایی که از پتانسیل بالقوه بالایی برخوردار هستند و کاهش بهای آنها تا حد پائین کف قیمتی و بعضاً کمتر از ارزش ذاتی سهام یا خالص ارزش دارایی‌ها است، نتوانست سطح مناسبی از حجم معاملات را به دنبال داشته باشد. تصویب قانون جدید بازار سرمایه، تمهیدات انجام شده در شش ماهه دوم سال ۱۳۸۴، موجب نشد از روند فرسایشی کاهش بازار سرمایه جلوگیری کند.

به راستی چه عواملی توانست به‌رغم تمهیدات و کاهش بسیاری از سهام شرکت‌ها به از ارزش ذاتی سهام آنان، همچنان بازار سرمایه را تحت تأثیر قرار داده و بازار از عمق کم برخوردار شود؟

به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال را باید در کمبود نقدینگی در بازار سرمایه و امنیت روانی سرمایه‌گذاران جست‌وجو کرد، به طوری که خروج سرمایه در ماه‌های اخیر روند صعودی به خود گرفته است و ریاست محترم قوه قضائیه و دادستان محترم کل کشور نسبت به خروج سرمایه از کشور هشدار داده‌اند. بی‌شک عدم امنیت روانی سرمایه‌گذاران در درازمدت نمی‌تواند نقدینگی را برای بنگاه‌های اقتصادی تأمین و هدایت نماید و موجب خلق ارزش افزوده در جامعه شود. تمهیدات و راهکارهای ارائه شده از طرف دبیرکل محترم بورس برای مقابله با محدود کردن دامنه نوسان قیمت سهام در ماه‌های پایانی سال توانست به طور موقت بازار سرمایه را از روند نزولی شاخص کل به شیب ملایم‌تری هدایت نماید تا کمترین آسیب برای سرمایه‌گذارانی که با دید بلندمدت در بازار سهام حضور جدی دارند کمک نماید و از ریزش شدید بازار سرمایه در روزهای آخر سال جلوگیری شود و تا حدودی امنیت روانی را در بازار سرمایه تقویت کند. البته این طرح‌ها موثری و کم‌عمق هستند و در درازمدت محدودیت‌های دامنه نوسان قیمت سهام(۲ درصد) نمی‌تواند راهکار مناسبی برای پاسخگویی و جلب سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل بازار سرمایه باشد زیرا نوسان و ریسک جزء ذات بازار سرمایه است.

منابع و مآخذ:

- ماهنامه اطلاعات اقتصادی و سیاسی - مهر و آبان ماه ۸۴
- سایت خدمات بورس
- روزنامه شرق - شماره ۵۹۴ - رکود

سیاسی بورس یک ساله شد- مصطفی والهی

عنوان عضو طبقه ممتاز جامعه تنها چیزی را که کم داشت قدرت سیاسی بود. برخی مانند رضایی هنگامی که چنین قدرت سیاسی را همراه با استقلال طلب می‌کردند با واکنش شاه روبه‌رو شدند، اما برخی نیز مانند قاسم در زیر سایه شاه فعلاً نه در سیاست اجازه مشارکت یافتند. اما اولاً تمایل به حضور در صحنه سیاسی امری طبیعی بود. به عبارت دیگر بیشتر پژوهشگران و نظریه‌پردازان در پی پاسخ به این سؤال بوده‌اند که چرا تمایلات سیاسی سرمایه‌داران ایرانی ضعیف بوده است. یکی از وجوه تمایز سرمایه‌داران ایرانی و غربی همین عدم حضور در صحنه سیاست است. اما رجوع به گذشته‌های نه‌چندان دور نشان می‌دهد که طبقات تجار و بازرگان همیشه در تحولات سیاسی نقش داشته‌اند. به طور مثال نقش تجار در نهضت تنباکو و مشروطیت آفندر موثر بوده است که تعدادی از محققان از آن به عنوان عامل مسلط وقوع جنبش نام‌برده‌اند. اما همچنان که تجار سنتی و بازاریان از جمله گروه‌های موثر در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ بودند تجار و بازاریان سنتی نیز برای احقاق حقوق از دست رفته‌شان- که همانا به خطر افتادن قدرت اقتصادی و ثروت آنان در اثر سیاست‌های مالی دولت از جمله واگذاری امتیازات و اعمال تعرفه‌های تجاری به نفع کالاهای وارداتی بود- به جنبش وارد شدند. اما بعد از تثبیت قدرت دولت در سال‌های بعد و در شرایطی که راه کس صاحب مال و دارایی است در سایه برتری و رواج ایدئولوژی مارکسیسم به عنوان عنصر غارنگر و استثمارگری شناخته می‌شد و حتی شاه نیز که نماینده حافظ منافع همین نظام سرمایه‌داری وابسته است مجبور به انتقاد می‌گردید، صرف نظر از بسته بودن تمامی راه‌های فعالیت توانست از طریق احزاب سیاسی چگونره طبقه مزبور می‌توانست در حوزه سیاست به طور شفاف فعالیت کند و منافع خود را جست‌وجو کند. به علاوه و مهم‌تر آنکه نظام اقتصادی که برآمده از تشکیل طبقه سرمایه‌دار باشد وجود نداشت.

نگاه

خطر مخدوش شدن فضای رقابتی در سال ۸۵



ایسنا : «اشکال لایحه بودجه سال ۸۵ به این دلیل است که موازین برنامه چهارم توسعه را رعایت نکرده و باید تدبیر و تمهیدات لازمی اندیشیده شود که نظام تصمیم‌گیری در همه زمینه‌ها به درستی رعایت شود.»
دکتر مومنی اقتصادی تصریح کرد : «تا زمانی که مسئله کاستی‌های بنیادی نظام تصمیم‌گیری‌ها به صورت عادلانه زیر ذره‌بین قرار نگیرد و اشکالات جدی موجود در آن برطرف نشود کوشش‌هایی که تحت عنوان برنامه‌ریزی بودجه‌ریزی انجام می‌دهیم از ظرفیت‌های بسیار محدودی برخوردار خواهند بود و باید قبول کنیم که برنامه چهارم توسعه نیز مشمول این حکم قرار گرفته است.»
مومنی گفت : «یک مسئله بنیادی بسیار مهم دیگر برخورد‌های سیاست‌زده در امور تخصصی و کارشناسی است در چنین شرایطی برخلاف آموزه‌های اخلاقی اسلامی و برخلاف مثنی‌پذیرفته شده در میان متخصصان و عالمان و برخلاف اخلاق حرفه‌ای ما می‌بینم که مسائل تخصصی در کادر ملاحظات و جهت‌گیری‌های بنیادی و گروهی قرار می‌گیرد و باعث می‌شود که اثربخشی دیدگاه‌های تخصصی و مزایای عملی از برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه‌ما به حداقل خود برسد و تا زمانی که در نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، این اجماع پدید نیاید که در امور تخصصی علم باید و نصاب الخطاب باشد و تا زمانی که ملاحظات سیاست‌زدگان نسبت به ملاحظات عالمان در اولویت قرار بگیرد برنامه‌ها و بودجه‌های ما از این زاویه نیز آسیب می‌بیند و امکان برخورداری از ظرفیت‌های فکری جامعه در جهت بهبود نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع به حداقل می‌رسد.»
این اقتصاددان خاطرنشان کرد : «برنامه چهارم کاستی‌های فراوانی دارد اما همان سند به حکم اینکه همه فرآیندهای قانونی خود را طی کرده و تا زمانی که قانون جایگزینی برایش قانونی نگرفته باشد اقدامات قرار گیرد و دست‌افشانده است و برنامه چهارم با همه کاستی‌هایی که دارد فرایند قانونی خود را طی کرده و دولت باید این را مبنا قرار بدهد.»
«اما ادامه داد : «ممکن است دولتی‌ها این استدلال را مطرح کنند که این قانون در دولت قبلی نیز تهیه شده و ما در این زمینه نقشی نداشته‌یم اما واقعیت این است که مشروعبت دولت به این است که در کادر قانون اساسی، ایران انتخاب شده است و موقعیت کنونی خود را پیدا کرده و بنابراین هم از نظر عقلی و از نظر اخلاقی آنها معتقدند که قانون را به اجرا درآورند و دولت موظف به اجرای قانون برنامه است.»
عضو هیات علمی دانشگاه علامه افزود : «یکی از مهمترین دستاوردهایی که جامعه بشری در تمدن خود ثبت کرده این است که حتی قانون ضعیف نسبت به شرایط عدم التزام به قانون، موقعیت قابل تحمل‌تری را برای جامعه پدیدار کند.»
وی تصریح کرد : «با کمال تأسف در مورد دولت فعلی نیز این شرایط روبه‌رو هستیم و یکی از شعارهای دولت فعلی عدالت‌خواهی است که در واقعیت به رویکردهای سنتی به توسعه برای مسئله عدالت اجتماعی یک جایگاه و نقش فرعی دارد و در چارچوب و اندیشه توسعه پایدار نوعی اجماع میان نظریه‌پردازان توسعه به وجود می‌آورد که عدالت اجتماعی در رمره تغییرهای تعیین‌کننده و مشروطیت‌ساز به این توسعه ملی است و این مسئله به همین اندازه که به لحاظ تئوریک و با تکیه بر شواهد تجربی متعدد در زمینه پایداری زیست محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرد از نظر پایداری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز موضوعیت دارد و اختلال در پایداری هریک از این موارد بیش از هر چیز تحت تأثیر وضعیت جامعه از نظر توزیع قدرت، ثروت و منزلت است.»
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی خاطرنشان کرد : «عبارت که دولت جدید انتخاب کرده شعار بسیار مناسبی است و جامعه‌ما به خصوص به واسطه این که تکیه‌گاه اصلی حل و فصل امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی‌اش منابع نفتی است و در معرض آسیب‌های اقتصادی سیاسی رانته قرار دارد و ساختار اقتصادی و اجتماعی به صورت درون‌گرا نابرابری‌های گوناگونی را بازتولید می‌کند، توجه ویژه داشتن به عدالت اجتماعی اهمیت و ضرورت بیشتری را پیدا می‌کند ولی با کمال تأسف دولت جدید نیز همانند دولت قبلی تاکنون اقدامات و کوشش‌های سوزنی را انجام ندادند اما جهت‌گیری‌هایی از منظر سیاست‌های اقتصادی طی شش ماهه گذشته حکایت از اشتباهات فاشتر در این زمینه دارد.»
وی ادامه داد : «در شرایط کوفایی درآمدهای نفتی اگر رویکرد دولت هفتم این اضافه درآمد را در اقتصاد ملی و در کوتاه‌مدت در اولویت قرار دهد به استناد تمام تجربه‌های مشاهده شده تاکنون یکی از مهمترین پیامدهای چنین رویکردی گسترش و تعمیق نابرابری‌هاست، خواه نابرابری‌های منطقه‌ای و خواه نابرابری‌های درآمدی و خواه که یک وقوف نسبی به مضمون عدالت اجتماعی دارد.»
مومنی در خصوص سهام عدالت افغان کرد : «رویکردی که در مورد سهام عدالت اتخاذ شده همساز با اقتصاد سیاسی ایران دارد و بنابراین گریه یا حسن نیت اقدام به توزیع سهام عدالت شده اما به استناد شواهد موجود به خصوص در دهه ۱۹۹۰ به سهولت می‌شود نشان داد که کارکرد عملی این اقدام گسترش و تعمیق نابرابر است.»
وی در پاسخ به این سؤال که نگاه ما به سال ۸۵ باید به چه مولفه‌ای معطوف شود، اظهار کرد : «در شرایطی که ما درآمدهای چشمگیری نفتی داریم و بخش مهمی از آن را دولت تصمیم می‌گیرد در قالب منابع ارزی و ریالی به اقتصاد ملی تزریق می‌کند، چند اتفاق مهم خواهد افتاد که دولت، مجلس و قوه قضائیه باید با یکدیگر هماهنگی کنند و ساز و کارهایی را برای مهار عوارض آن بیندیشند.»
او در این مورد به ذکر چند نکته اشاره کرد و افزود : «اولین عارضه گسترش و تعمیق نابرابری‌هاست که باید به طور جدی در مورد آن فکر کرد و تقصیف بخش‌های فولد و رونق‌گیری فعالیت‌های غیرمولد و مسئله سوم گسترش و تعمیق فساد مالی است که باعث می‌شود فضای رقابتی مخدوش‌تر و نامربوط‌تر شود.»
این اقتصاددان تصریح کرد : «فساد مالی فعالیت‌های مولد را به حداقل رسانده و فضای رقابتی را نامناسب‌تر می‌کند و آثار آن همه ارکان نظام ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و امیدواریم که همه ارکان نظام با اهتمامی جدی و با فصل الخطاب قرار دادن علم در امور تخصصی و پرچیز از برخورداری فرصت طبانه کمک کنند که نظام ملی آسیب‌دار خود را از این زمینه‌ها به حداقل برساند.»